

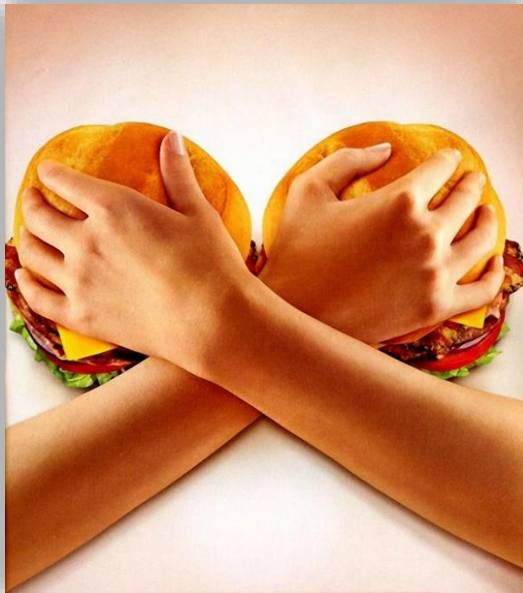
# هژمونی بورژوایی گوشت

کریستین استاچ و کریستین برنهولد



ترجمه‌ی کانال تلگرامی «ما حیوانات»

سهمی در تبیین تداوم فوق‌استثمار حیوانات در سرمایه‌داری



## چکیده

این مقاله با استفاده از نظرات آنتونیو گرامشی درباره‌ی دولت فراگیر (انتگرال) و هژمونی، مفهوم هژمونی گوشت را به صورت برنامه‌ریزی شده توسعه می‌دهد. ما هژمونی گوشت را به عنوان یک فعل و انفعال متقابل بین (الف) انحصار دولت در استفاده از زور (که مالکیت خصوصی بر حیوانات و مبادله‌ی کالاهای مبتنی بر گوشت را تضمین می‌کند)، و (ب) تولید رضایتمندی در درون طبقات کارگر و متوسط به سمت انباشت سرمایه‌ی گوشتی، مفهوم‌سازی می‌کنیم. این امر نخست با اتحاد سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی سرمایه‌ی گوشتی و دوم با امتیازات اقتصادی به جناح‌های طبقه‌ی فرودست حاصل می‌شود، یک سبک زندگی گوشت‌خوار و ایدئولوژی‌های طرفدار گوشت. هژمونی گوشت در مناسبات اجتماعی و اقتصادی سرمایه‌دارانه بین سرمایه و کار (رابطه‌ی سرمایه) و سرمایه و حیوانات (رابطه‌ی سرمایه - حیوان) ریشه دارد. آن‌ها تضادی بین سرمایه از یک طرف و کارگران مزدبگیر و حیوانات از سوی دیگر ایجاد می‌کنند که برای تضمین بازتولید اقتصادی سرمایه‌ی گوشتی نیازمند تنظیم سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک است.

## پیشگفتار

صنعت گوشت سرمایه‌داری مبتنی بر روابط اجتماعی و اقتصادی متناقضی است که بر مجموعه‌ای از مشکلات دلالت دارد. به عنوان مثال، فوق‌استثمار و کشتار صنعتی میلیاردها حیوان در سال، بهره‌کشی و فوق‌استثمار کارگران مزدی موقت و اغلب مهاجر (Birke and Bluhm 2019؛ Eiszitz 2006 (1997)، و تخریب طبیعت را در نظر بگیرید. نمونه‌هایی از اثرات زیست‌محیطی صنعت گوشت شامل سهم آن در بحران اقلیمی (FAO 2013؛ Grain and IATP 2018) و انقراض جمعی ششم (Vettese 2019, pp. 256-261) است. پژوهشگران همچنین صنعت گوشت را تا حد زیادی مسئول ظهور کرونا و ویروس‌های دیگر دانسته‌اند (مالم ۲۰۲۰). با وجود این، علی‌رغم این مشکلات، در کلان‌شهرهای امپریالیستی سیستم جهانی سرمایه‌داری، صنعت گوشت با توجه به میزان فروش یا تولید، همچنان بخش عمده‌ی

صنایع غذا و کشاورزی را تشکیل می‌دهد (برای مورد آلمان نگاه کنید به BVE 2020، ص ۱۳، برای ایالات متحده آمریکا USDA 2019، ص ۴،۷). این صنعت طی دهه‌های گذشته به‌طور مداوم رشد کرده است و پیش‌بینی می‌شود که رشد بیشتری هم داشته باشد (Alexandratos and Bruinsma 2012، p. 131)، ولو آن‌که گوشت گیاهی و سایر جایگزین‌های آن اخیراً موفقیت اقتصادی داشته باشند (گرهارد و همکاران ۲۰۱۹).

در مواجهه با این غیرعقلانی بودن منطقی سرمایه‌داری، این پرسش‌ها مطرح می‌شود که چرا صنعت گوشت با موفقیت بیشتری نسبت به همیشه می‌تواند به کار خود ادامه دهد و چرا با این‌که تنها بخشی از سرمایه از آن سود می‌برد، حداقل به‌شکل منفعلانه‌ای توسط بخش‌های زیادی از جامعه تحمل می‌شود؟ پژوهشگران مختلف مطالعات انتقادی (انسانی - حیوانی سعی کرده‌اند تا با ارتباط میان بهره‌کشی اقتصادی و حالت‌های سلطه‌ی غیراقتصادی بر حیوانات کنار بیایند. با این حال، ما ادعا می‌کنیم که آن‌ها با ارجاع به مسائل فردی، ایدئولوژیکی، فرهنگی یا روانی به‌تنهایی، مانند مصرف گوشت، ایدئولوژی‌های گونه‌پرستانه یا کارنیستی (اصطلاح ملانی جوی برای ایدئولوژی پنهانی که خوردن حیوانات را باعث می‌شود - مترجم‌آ، به شکلی کوتاه‌بینانه با این پرسش‌ها روبرو شده‌اند (Joy 2010; Singer 2002 1975J)). این جنبه‌ها باید در نظر گرفته شوند زیرا هر کدام به یک عنصر در مجموعه اشکال غالباً غیراقتصادی و روابط اجتماعی سلطه اشاره دارند. اما ما استدلال می‌کنیم که آن‌ها به‌تنهایی برای توضیح پذیرش اجتماعی (فوق) استثمار کار، طبیعت و حیوانات توسط کمپانی‌های گوشتی کافی نیستند.

با توجه به این زمینه، مقاله‌ی حاضر از این فرض شروع می‌شود که چگونگی تولید کالاهای حیوانی مانند گوشت بر اساس روابط متناقض (فوق) استثمار و ارتباط آن‌ها با اشکال غیراقتصادی که از سلطه در جامعه‌ی طبقاتی بورژوازی پشتیبانی می‌کند نیاز به بررسی نظام‌مند مبتنی بر نظریه‌ی اجتماعی دارد. برای پیشبرد چنین توضیحی، اصطلاحات مناسب باید توسعه یابد زیرا تاکنون مفاهیم کافی در ادبیات حیوانی (- انسانی) به‌طور خاص و همچنین در علوم اجتماعی و فرهنگی به‌طور کلی وجود ندارد.

با نوشته‌های مارکسیست ایتالیایی آنتونیو گرامشی، به‌ویژه **یادداشت‌های زندان** او که بین سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۵ نوشته شده است، یک جریان تأثیرگذار در تاریخ نظریه‌ی اجتماعی انتقادی ظهور کرد (جریان دیگر مکتب فرانکفورت بود) تا ماندگاری سرسختانه‌ی سرمایه‌داری و عدم انقلاب در مواجهه با جامعه‌ای که بر پایه‌ی روابط اجتماعی - اقتصادی آشتی‌ناپذیر بنا شده است را توضیح دهد. بنیان‌گذار و دبیرکل سابق حزب کمونیست ایتالیا با توسل به دیالکتیک بین سیاست، ایدئولوژی‌ها و فرهنگ سعی در درک و مفهوم‌سازیِ انعطاف‌پذیریِ ماندگار طبقه‌ی سرمایه‌دار داشت. استدلال وی حول ایده‌ی هژمونی بورژوازی، که محافظ روابط اقتصادی استثمار است، می‌گردد. هدف ما این است که نشان دهیم مفاهیم گرامشی می‌توانند کمک زیادی به نظریه‌ی اجتماعی انتقادی و به‌ویژه مطالعات حیوانی (- انسانی) کنند، و با این حال، حداقل در مورد اخیر، تاکنون در استفاده از آن‌ها برای تحلیلی جامع کمبود وجود داشته است.<sup>۱</sup> همان طور که در طول این مقاله بر آن اصرار می‌کنیم، با استفاده از نظریه‌ی هژمونی گرامشی برای تبیین ماندگاری مناسبات اقتصادی - اجتماعی (فوق) استثمار کارگران مزدی و فوق‌استثمار حیوانات در صنعت گوشت معاصر، چیزهای زیادی می‌توان به دست آورد. با این حال، این تلاش نیاز به مقداری بازنگری و بازسازی دارد. تمرکز اصلی گرامشی تضاد آشتی‌ناپذیر بین سرمایه و کار و مبارزه‌ی طبقاتی مرتبط بین این طبقات اصلی در سرمایه‌داری بود. با وجود این، همان طور که در زیر توضیح خواهیم داد، حیوانات نه بخشی از رابطه‌ی سرمایه را تشکیل می‌دهند، و نه عاملان مبارزه‌ی طبقاتی هستند (همچنین نگاه کنید به Stache 2019). علاوه بر این، گرامشی به ساختار حاکمیت با توجه به جامعه‌ی سرمایه‌داری به‌عنوان یک کلیت فکر می‌کرد، نه فقط در مورد یکی از زمینه‌ها یا بخش‌های آن. با در

<sup>۱</sup> برخی اقتباس‌های ترمینولوژیک (اصطلاحی) از مشهورترین مفاهیم گرامشی وجود دارد، به‌عنوان مثال، در فیتزجرالد و تیلور (۲۰۱۴)، و تحقیقاتی در مورد فرهنگ حول گوشت به‌عنوان مثال در Potts (۲۰۱۷). اما تا آنجا که ما می‌دانیم، چارچوب نظری اجتماعی و مباحث گرامشی تاکنون در این زمینه مورد استفاده قرار نگرفته است.

نظر داشتن این چالش‌های نظری، ما تفکر گرامشی را ابزاری قدرتمند در جستجوی توضیحی درباره‌ی شکوفایی صنعت گوشت با وجود ناهمسازی اساسی آن می‌دانیم. بنابراین، هدف این مقاله توسعه‌ی مفهومی‌تر زیر است: فوق‌استثمار حیوانات و (فوق)استثمار کارگران مزدی در صنعت گوشت سرمایه‌داری علی‌رغم تخریب‌های اجتماعی و اکولوژیکی، ادامه دارد. دلیلش این است که سرمایه‌ی گوشتی - آن بخش‌هایی از سرمایه که از تولید، فرآوری بعدی گوشت و توزیع آن سود می‌برند (Stache 2020، ص ۲۵) - (الف) از نظر اقتصادی موفق است، (ب) قادر به سازمان‌دهی اتحاد داخلی خود است، و (ج) قادر به جلب رضایت افراد حاشیه‌ای، یعنی اعضای سایر طبقات غیر از طبقه‌ی سرمایه‌دار، نسبت به تولید و مصرف گوشت از نظر اقتصادی، سیاسی - ایدئولوژیک و فرهنگی است. سرمایه‌ی گوشتی هژمونی گوشت را سازمان‌دهی کرده است.

هدف اصلی ما معرفی و گسترش این مفهوم از هژمونی گوشت است و مقاله‌ی ما این پیشنهاد مفهومی را برای توسعه‌ی تحقیقات نظری و تجربی بعدی ارائه می‌دهد. ما فکر می‌کنیم که این مفهوم می‌تواند کمک کند تا درک کنیم که حداقل اجماع منفعلانه نسبت به تجارت گوشت نه چیزی است طبیعی و نه صرفاً محصول سیاست، ایدئولوژی‌ها یا فرهنگ. تفکر نظری هژمونی دیدگاهی را درباره‌ی چگونگی سازمان‌دهی این اجماع از نظر سیاسی - اقتصادی در مبارزات طبقاتی می‌گشاید و این که چگونه سرمایه‌ی گوشتی برای دستیابی به سلطه در امور تغذیه‌ای با توسل به هژمونی اقتصادی - اجتماعی، سیاسی، ایدئولوژیکی و فرهنگی که فراتر از روابط اجتماعی آنتاگونیستی است، می‌کوشد. برای مثال، در مورد ایدئولوژی گونه‌پرستانه، این مستلزم وجود آن در بین طبقات است، و با وجود این در نتیجه‌ی بهره‌کشی از حیوانات - در عرصه‌ای طبقاتی شده، که در آن طبقات حاکم برای سلطه بر اندیشه‌ها توانایی متفاوتی پیدا کرده‌اند - از نظر تاریخی جعل شده است. (به Bernhold 2019، صفحات ۲۳-۲۱ مراجعه کنید).

در مقاله‌ی حاضر، ما نظریه‌ی هژمونی گرامشی را به نظریه‌های تاحدی مرتبط دیگر، که روابط اجتماعی - اقتصادی استثمار را با سیاست، اشکال ایدئولوژیک اندیشه،

و فرهنگ در جوامع سرمایه‌داری به هم پیوند می‌دهند، ترجیح می‌دهیم. به‌عنوان مثال، در مقایسه با قضیه‌ی شی‌ءوارگی ('Verdinglichung') که توسط لوکاچ (۱۹۷۱)، ص ۸۳-۲۲۲)، هورکهایمر و آدورنو (۲۰۰۲، ص ۱۶۳) و آدورنو (۱۹۷۳، ص ۱۸۹-۱۹۲) ابداع شده است، مفهوم گرامشی حداقل چهار مزیت دارد: اول، سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ را به‌ترتیب به‌عنوان حوزه‌های نسبتاً خودمختار با فرآیندهای خاص خود به رسمیت می‌شناسد، در حالی که مفهوم شی‌ءوارگی، به شکل‌های فیتیش (بت‌واره‌شده)، یعنی ایدئولوژی (در دیدگاه آدورنو بیش از لوکاچ) برتری می‌دهد، و تمایل به تلقی یکسان از هر سه عنصر دارد. دوم، ایده‌ی گرامشی بر نمایندگی سیاسی طبقات تأکید می‌کند، در حالی که مفهوم شی‌ءوارگی عمدتاً یک مسئله‌ی عام (مربوط به آگاهی) تمام افراد در جوامع سرمایه‌داری (در آدورنو بیش از لوکاچ) را توصیف می‌کند، گرچه طبقات در مواضع متفاوتی نسبت به مسئله قرار دارند (بیشتر در لوکاچ تا آدورنو). سوم، این امکان را می‌دهد که ماهیت منازعه‌آمیز و ساختار طبقاتی سیاست، اشکال اندیشه و فرهنگ را درک و مفهوم‌سازی کند که ایده‌ی شی‌ءوارگی به‌طور مفهومی نادیده می‌گیرد. و چهارم، مفهوم‌سازی گرامشی، ویژگی اقتصادی - اجتماعی و مناسبات تولیدی را با سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ به‌هم پیوند می‌دهد. از سوی دیگر، در مورد لوکاچ و آدورنو، حوزه‌ی گردش (مربوط به بازار) و تقسیم کار (فوردیستی) نقاط آغازین مفهوم شی‌ءوارگی هستند. علاوه بر این، از نظر ما، شی‌ءوارگی می‌تواند در نظریه‌ی هژمونی گرامشی ادغام شود، که در مفهوم‌سازی مارکس و گرامشی از مبارزه‌ی طبقاتی و رای اشکال اندیشه، به‌عنوان بخشی از شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها، اشکال فرهنگی و ذهنیات نهفته است.

این مقاله مفهوم هژمونی گوشت را گسترش می‌دهد و با این ساختار ادامه می‌یابد: در دو بخش بعدی، ما نشان می‌دهیم که روابط اجتماعی/اقتصادی در صنعت گوشت سرمایه‌داری - رابطه‌ی سرمایه و رابطه‌ی سرمایه/حیوان - منجر به تناقضی میان سرمایه از یک‌سو و کارگران مزدی، طبیعت به‌طور کلی و حیوانات به‌طور خاص از سوی دیگر می‌شود. در جامعه‌ی بورژوازی کنونی، بهره‌کشی از حیوانات و طبقات انسانی استثمار شده در یک روند اتفاق می‌افتد. بنابراین، نیاز به عامل پیونددهنده‌ی اجتماعی

برای تضمین حداقل بازتولید موقتی این روابط بهره‌کشانه نمایان می‌شود. این عامل پیونددهنده‌ی اجتماعی برای صنعت گوشت، هژمونی گوشت است. برای درک این مفهوم، طرحی از برداشت گرامشی از دولت انتگرال (فراگیر یا حداکثری) و هژمونی ارائه می‌دهیم. سپس، مفاهیم گرامشی را برای واکاوی مورد سرمایه‌ی گوشتی به کار می‌گیریم و نشان می‌دهیم که چگونه رضایت‌مندی با ایجاد وحدت داخلی و ایدئولوژی‌های رایج سرمایه‌ی گوشتی و به‌واسطه‌ی امتیازات مادی سه‌گانه، سبک زندگی گوشتخوار و ایدئولوژی‌های گونه‌پرستانه سازمان یافته است. در این زمینه، به مورد سرمایه‌ی گوشتی آلمان اشاره می‌کنیم، اگرچه اظهارات زیر بدون تغییر برای سایر کشورهای اصلی سیستم جهانی سرمایه‌داری نیز قابل‌تعمیم است. به هر حال، مطالب تجربی که ما از آن بهره می‌بریم به‌عنوان اولین نگرش در زمینه‌های ارائه‌شده جهت پذیرش موضوع هژمونی گوشت نیاز به تحقیقات جامع دارند.

## ۱ - رابطه‌ی سرمایه: منبع ثابت تضاد طبقاتی

در کتاب سرمایه، کارل مارکس سرمایه‌داری را به‌عنوان «یک رابطه‌ی اجتماعی میان افراد» معرفی می‌کند (مارکس ۱۹۹۶ [۱۸۶۷]، ص ۷۵۳) با واسطه‌ی چیزها. در حقیقت، این فرمول به دو رابطه‌ی اجتماعی اشاره دارد: یک رابطه‌ی مستقیم بین افراد - روابط تولید - و دیگری بین همان افراد که با واسطه‌ی چیزها است - رابطه‌ی بازار. شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری تنها زمانی قابل‌درک است که تعامل بین این دو مورد در نظر گرفته شود. با هم، آن‌ها رابطه‌ی سرمایه - کار یا «رابطه‌ی سرمایه» را تشکیل می‌دهند (مارکس ۱۹۹۶ [۱۸۶۷]، ص ۶۰۹).

روابط مالکیت و تولید سرمایه‌داری بر سه شرط تاریخی استوار است، اول اینکه کارگران مزدی مالک هیچ وسیله‌ی تولیدی نیستند. ابزار تولید در انحصار سرمایه‌داران قرار دارد و فرودستان نمی‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند. این رابطه‌ی مالکیت اولین منبع تضاد بین سرمایه و کار است. دومین شرط تاریخی این است که کارگران مزدی از نظر سیاسی آزاد باشند. آن‌ها با سلطه‌ی مستقیم سیاسی به هیچ‌کس مقید نیستند. آن‌ها افرادی هستند که از حقوق و آزادی‌های بورژوازی برخوردار هستند. با

این حال، و این شرط سوم است، آن‌ها مجبورند برای تأمین زندگی خود نیروی کار خود را بفروشند. بنابراین، نیروی کار انسانی به کالایی تبدیل می‌شود که خرید و فروش می‌شود. در این راستا، کارگران مزدی ممکن است از نظر سیاسی به‌طور مستقیم به یک سرمایه‌دار خاص وابسته نباشند. با وجود این، از نظر اقتصادی، آن‌ها به طبقه‌ی سرمایه‌دار وابسته‌اند.

بر اساس این شرایط، روابط استثماراری اقتصادی - اجتماعی خاص تاریخی تکوین یافته است. در حوزه‌ی تولید، کارگران مزدی ارزش اضافی جدیدی ایجاد می‌کنند که در کالاهایی عینیت یافته است، که مانند ابزار تولید، به سرمایه‌داران تعلق دارد. کارگران تحت امر، به‌نفع و برای سود سرمایه تولید می‌کنند. آن‌ها خود در مورد این که چه چیزی یا چگونه تولید کنند دخالتی ندارند. همان طور که مارکس اظهار می‌دارد، در کارگاه «استبداد» وجود دارد (مارکس ۱۹۹۶ [۱۸۶۷]، ص ۳۶۲)، نه دموکراسی. این استبداد کارگاهی دومین منبع برای تضاد میان سرمایه و طبقه‌ی کارگر است.

رابطه‌ی بازار یا روند گردش سرمایه‌داری، به‌خودی‌خود یک رابطه‌ی اقتصادی - اجتماعی بهره‌کشانه نیست. این روند در عمل به‌وسیله‌ی همان بازیگرانی که بخشی از فرایند تولید هستند بنا نهاده شده است: سرمایه‌داران و کارگران مزدی. با این حال، در بازار، آن‌ها به‌عنوان افرادی کاملاً آزاد و برابر با یکدیگر روبرو می‌شوند، اگرچه کالاهایی را با شرایط کاملاً متقابل خریداری می‌کنند و می‌فروشند. هیچ تصمیم‌گیری دموکراتیکی درباره‌ی تولید و توزیع کالاها و بنابراین در مورد کار اجتماعی وجود ندارد. تولیدکنندگان خصوصی تصمیم می‌گیرند که چه مقدار نیروی کار برای چه نوع محصولی صرف شود و روند واقعی کار چگونه عمل کند. بنابراین در بازار تصمیم گرفته می‌شود که آیا کالاها خریدارِ قادر به پرداخت پیدا می‌کنند و آیا کار مصرف‌شده به‌عنوان کار اجتماعی شناخته می‌شود یا خیر. این عدم‌وجود روند توزیع دموکراتیک سومین منبع تضاد بین سرمایه و طبقه‌ی کارگر است.

در روندهای تقریباً بی‌انتهای خرید و فروش، صاحبان کالا و خریداران با یکدیگر نه مستقیماً، بلکه همان طور که مارکس می‌گوید، با واسطه‌ی «چیزها»: پول و کالاها، ارتباط برقرار می‌کنند. از آنجا که سرمایه‌داران کالاهای مورد نیاز خود را برای تولید،



در بازار خریداری می‌کنند و کالاهای تولیدشده را نیز آنجا می‌فروشند، فرایند تولید، رابطه‌ی اقتصادی - اجتماعی استثمار، با واسطه‌ی رابطه‌ی بازار انجام می‌شود. این تعامل بین این روابط است که مشخصه‌ی سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم طبقاتی اقتصادی - اجتماعی است. نکته‌ی تعیین‌کننده در این زمینه این است که کارگران مزدی کل فرآیند را همانند ورود به آن، بدون هیچ گونه ابزار تولید و از نظر سیاسی آزاد برای فروش دوباره‌ی نیروی کار خود ترک می‌کنند. در عوض، سرمایه‌داران با هر چرخه‌ی تولید، ارزش اضافی انباشت می‌کنند و بدین ترتیب ثروت اجتماعی تولید شده توسط کارگران را در انحصار خود در می‌آورند. این چهارمین منبع برای تضاد بین سرمایه و طبقه‌ی کارگر است.

به‌طور خلاصه، رابطه‌ی سرمایه توسط روابط تولید خاص تاریخی، رابطه‌ی بازار، و تعامل هر دو، که به‌وسیله‌ی سرمایه و کار ایجاد و بازتولید شده است تعریف می‌شود. به‌دلیل روابط مالکیت نابرابر، روابط غیر دموکراتیک تولید، سازماندهی و توزیع نابرابر کار اجتماعی و محصول آن، رابطه‌ی سرمایه خصلتی آنتاگونیستی دارد. این رابطه ذاتاً پایدار نیست بلکه یک منبع دائمی کشمکش میان طبقات است. همان‌طور که مارکس می‌گوید، «مبارزه بین سرمایه‌دار و کارگر مزدی با ایجاد خود رابطه‌ی سرمایه آغاز می‌شود.» (مارکس ۱۹۷۶ [۱۸۶۷]، ص ۵۵۳). بنابراین، اگر رابطه‌ی استثمار بین طبقات قرار است حفظ شود، نوعی سلطه لازم است.

## ۲ - رابطه‌ی سرمایه - حیوان

مطابق با بینش‌های اخیر در رفتارشناسی حیوانات، ما استدلال می‌کنیم که حیوانات چیزهایی نیستند بلکه موجوداتی هستند باهوش و دارای قابلیت‌های شناختی، ارتباطی، اجتماعی، انجام کار و سایر توانایی‌ها که گاهی اوقات شبیه به توانایی‌های انسان هستند (رجوع کنید به Balcombe 2018; Breising 2017; Sachser 2018). با این حال، آزادی آن‌ها هنوز به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی در مبارزات طبقاتی تاریخی ادغام نشده است. در حالی که حیوانات نمی‌توانند خود را آزاد کنند، از جانب طبقات

فرو دست مبارز هم به عنوان موضوعات رهایی شناخته نشده‌اند. و بدیهی است که حیوانات خود قادر به واداشتن طبقه‌ی حاکم به روابطی بهتر نبوده‌اند.

با توجه به این موضوع، لازم است جایگاه ویژه‌ای که در تولید سرمایه‌داری به حیوانات اختصاص داده شده است، توضیح داده شود. آن‌ها بخشی از رابطه‌ی سرمایه نیستند، زیرا نیروی کار خود را در بازار نمی‌فروشند، دستمزد نمی‌گیرند یا کالاهایی را برای بازتولید خود خریداری نمی‌کنند. بنابراین، حیوانات کارگر مزدی نیستند و به همین ترتیب از نظر سیاسی به شکل صوری آزاد نیستند. آن‌ها از نظر سیاسی به عنوان افراد یا اشخاصی با حقوق و آزادی‌های بورژوازی شناخته نمی‌شوند.

در تولید، کار حیوانات مستقیماً توسط سرمایه‌داران تصاحب می‌شود و بنابراین رایگان است. بنابراین، محصولات حیوانی صرفاً بخش مادی کالاها، یعنی ذخایر ارزش (مبادله‌ای) آن‌ها را تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، نه پایان واقعی روز کاری برای حیوانات وجود دارد و نه استفاده‌ی آنان از حیوانات صرفاً به نیروی کار آن‌ها تقلیل پیدا می‌کند. تمام بازتولید، بدن و زندگی آن‌ها در دست سرمایه‌داران است، همان طور که دستکاریِ روشمند و نظام‌مند بدن‌ها و کشتار صنعتی آن‌ها نشان می‌دهد.

بنابراین، با درک کلاسیک از رابطه‌ی سرمایه نمی‌توان نقش حیوانات را در سرمایه‌داری فهمید. حیوانات در عین حال از رابطه‌ی سرمایه کنار گذاشته می‌شوند و هم‌زمان در سرمایه‌داری به شکلی کیفیتاً متفاوت با انسان به طور کلی و کارگران مزدی به طور خاص ادغام می‌شوند. به نظر ما این را می‌توان با رابطه‌ی اجتماعی خاصی با حیوانات که سرمایه آن را تداوم می‌بخشد، توضیح داد.

همانند طبیعت به عنوان یک کل، حیوانات از نظر اقتصادی - اجتماعی در جامعه‌ی طبقاتی سرمایه‌داری از طریق رابطه‌ی فوق‌استثمار، بیان یک رابطه‌ی مالکیت، با سرمایه، ادغام می‌شوند (نگاه کنید به Stache 2017، صفحات 409-534). ما این را رابطه‌ی سرمایه - حیوان می‌نامیم. حتی اگر تمام گونه‌های حیوانی واقعاً در معرض سرمایه و تمام صاحبان حیوانات سرمایه‌دار نباشند، طبقه‌ی سرمایه‌دار با حیوانات به عنوان دارایی خصوصی خود رفتار و از آنان به عنوان وسیله‌ی تولید در کارکردهای مختلف استفاده می‌کند. فوق‌استثمار حیوانات توسط سرمایه در فرآیند تولید صورت می‌گیرد. در این‌جا، حیوانات به صورت تمام‌وکمال، بدن آن‌ها یا

قسمت‌هایی از آن‌ها و محصولاتشان «آزادانه» توسط منافع، تحت فرمان و به سود سرمایه‌داران تصاحب می‌شود - آزادانه زیرا که با سرمایه‌گذاری روی حیوانات فقط نیروی کار مولد یا سرمایه‌ی ثابت - مانند علوفه - برای آن‌ها هزینه می‌شود. این رابطه‌ی اقتصادی - اجتماعی فوق‌استثمار، اولین منبع آنتاگونیسم میان سرمایه‌داران و حیوانات است.

رابطه میان سرمایه‌داران و حیوانات از نظر اقتصادی و سیاسی مستبدانه است، زیرا اولی‌ها می‌توانند با دومی مطابق میل خود رفتار کنند. هیچ نوع آزادی سیاسی یا حمایت واقعی از آن‌ها وجود ندارد. قوانین حمایت از حیوانات در جوامع غربی، به‌عنوان مثال در آلمان، مقررات جزئی را برای استفاده از حیوانات در نظر گرفته است. اما در عین حال، آن‌ها استبداد را ممکن می‌سازند زیرا به‌اصطلاح «علت(های) معقول» (BMJV 2019) را برای استفاده از حیوانات تعیین می‌کنند. این‌ها تقریباً تمام اشکال فوق‌استثمار اقتصادی مانند کشتار برای تولید گوشت را شامل می‌شود. بنابراین، این قوانین در واقع عدم آزادی حیوانات را تنظیم می‌کنند. این استبداد دومین منبع تضاد میان سرمایه‌داران و حیوانات است.

حیوانات به‌وسیله‌ی جناح خاصی از سرمایه به‌شکلی مستبدانه تصاحب و فوق‌استثمار می‌شوند. ما آن بخش از سرمایه‌داران را که از حیوانات زنده یا کالاهای حیوانی به‌عنوان وسیله‌ی تولید برای تولید کالا و ایجاد ارزش اضافی استفاده می‌کنند سرمایه‌ی حیوانی می‌نامیم (نگاه کنید به Stache 2020). سرمایه‌ی حیوانی اصطلاحی گسترده است که سرمایه‌داران در صنایع گوشت و لبنیات و همچنین باغ‌وحش‌ها، لابراتوارهای آزمایش حیوانی خصوصی و غیره را دربر می‌گیرد.

از آنجا که مقاله‌ی حاضر بر صنعت گوشت تمرکز دارد، تنها به سرمایه‌ی گوشتی می‌پردازد. سرمایه‌ی گوشتی شامل تمام کمپانی‌های سرمایه‌داری است که با (فوق)استثمار کارگران مزدی انسانی و فوق‌استثمار حیوانات جهت تولید گوشت، سود خود را انباشت می‌کنند. این حداقل شامل پرورش‌دهندگان، دامداران صنعتی، کشتارگران و فرآوری‌کننده‌ها است. سرمایه‌ی گوشتی بدون شک از نظر اقتصادی پیشروترین و از لحاظ سیاسی تأثیرگذارترین بخش سرمایه‌ی حیوانی است.

با توجه به ویژگی فوق‌استثماری و استبدادی آن، آشکار است که رابطه‌ی سرمایه - حیوان نیز آنتاگونیستی است. بنابراین، دو رابطه‌ی آنتاگونیستی با سرمایه وجود دارد که هر دو از شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری سرچشمه می‌گیرند. آن‌ها ریشه در همان روند تولید دارند، جایی که کارگران مزدی و حیوانات از نظر اقتصادی - اجتماعی به نفع، تحت اراده و به سود طبقه‌ی سرمایه‌دار (فوق) استثمار می‌شوند. بنابراین، صحبت از رابطه‌ی متناقض یا آنتاگونیستی سرمایه با کار مزدی و حیوانات را موجه می‌دانیم. برای تداوم بهره‌کشی، این تناقض اقتصادی - اجتماعی، که در قلب فرآیند انباشت سرمایه‌ی گوشتی است، به نوعی حاکمیت سیاسی یا سلطه بر کارگران مزدی و حیوانات و همچنین این تصور که بهره‌کشی از حیوانات چیزی نیست که با آن مبارزه شود، نیاز دارد، تا تناقض بتواند بازتولید شود. این جاست که سرانجام نظریه‌ی سیاسی گرامشی وارد صحنه می‌شود.

### ۳ - اجبار به علاوه‌ی رضایت: دولت فراگیر

در جوامع سرمایه‌داری شکل اجتماعی - اقتصادی استثمار و شکل سیاسی سلطه نسبتاً از یکدیگر جدا شده‌اند، حتی اگر سلطه‌ی مستقیم در کارخانه اجرا شود. طبقه‌ی حاکم از نظر اقتصادی کاملاً با طبقه‌ی حاکم سیاسی یکسان نیست و هریک در حوزه‌های مختلف عمل می‌کنند. به عبارت دیگر، اقتصاد و دولت به شکل صوری از هم جدا هستند. این یعنی همانطور که مارکس می‌گوید، «توصیف خاص دولت» (Marx 1975 [1844], p. 78).

با این حال، این توصیف خاص به معنای بی‌طرفی یا مستقل بودن دولت از اقتصاد سرمایه‌داری نیست. همان طور که مارکس به درستی در سرمایه اظهار داشت، «این همیشه رابطه‌ی مستقیم صاحبان شرایط تولید با تولیدکنندگان مستقیم [...] است که مخفی‌ترین راز، اساس پنهان کل ساختار اجتماعی، و همراه آن، شکل سیاسی رابطه‌ی حاکمیت و وابستگی، به طور خلاصه، شکل خاص مربوط به دولت را آشکار می‌کند» (Marx 1998 [1894], p. 778).

این بدان معناست که دولت بورژوازی یک شکل سیاسی بنیادی و مبتنی بر رابطه‌ی سرمایه است. برای اطمینان از بازتولید آن، استفاده از زور در موارد خارجی و داخلی را در انحصار خود می‌گیرد. این امر اقدامات متقابل خرید و فروش کالا و مالکیت خصوصی و وسایل تولید، از جمله مالکیت خصوصی حیوانات، در یک قلمرو خاص را تضمین می‌کند. بنابراین، در حالی که دولت سرمایه‌داری امتیازهای سیاسی رسمی را برای طبقه‌ی حاکم اقتصادی فراهم نمی‌کند، دولت سرمایه‌داری یک دولت طبقاتی است. حاکمیت قانون در بین طبقات اعمال می‌شود، اما شکل بورژوازی حاکمیت در خارج از کارخانه‌ها رابطه‌ی سرمایه را در عمل حمایت می‌کند. دولت دستگاه‌های ضروری سرکوبگر مانند پلیس و ارتش در اختیار دارد. با این حال، تا زمانی که نظم اقتصادی و سیاسی به‌طور اساسی به چالش کشیده نشود یا تا زمانی که به‌شکلی فاشیستی تبدیل نشود، زیرساخت سرکوبگر در پس‌زمینه باقی می‌ماند. دولت کار خود را بدون دخالت مستقیم انجام می‌دهد.

این خویشن‌داری تنها به این دلیل امکان‌پذیر است که انحصار دولت در استفاده از زور با سامان‌دهی رضایت توده‌ای مردم نسبت به وضعیت موجود استعمار و سبکی از زندگی که زیستن در وضعیتی متناقض را امکان‌پذیر می‌کند، تکمیل می‌شود بی‌آنکه جایگزین آن شود. با وام گرفتن از عبارات گرامشی، اجبار «به‌شکلی ماهرانه با اقناع و رضایت ترکیب می‌شود» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۲]، ص ۳۱۰). حاکمیت بورژوازی اجبار به‌علاوه‌ی رضایت است. اگر تهدید مستقیمی برای شکل اجتماعی - اقتصادی بهره‌کشی و شکل سیاسی حاکمیت وجود نداشته باشد، سامان‌دهی رضایت حتی بر استفاده از زور برای تأمین اقتصادی و سیاسی بازتولید در مقیاسی تدریجاً فزاینده، غلبه دارد. با توجه به آنچه گفته شد، مفهوم گرامشی از دولت سرمایه‌داری شامل استفاده‌ی (بالقوه) از زور، یعنی سلطه به‌معنای محدود، و سازمان‌دهی رضایت است. مفهوم وی از «دولت فراگیر» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۲]، ص ۲۷۱) این ویژگی دوگانه‌ی حاکمیت بورژوازی را در بر می‌گیرد.

#### ۴ - هژمونی: از کارخانه به دولت و برعکس

دولت فراگیر فقط شامل تعامل رضایت و اجبار نیست. همچنین شامل رابطه‌ی دیالکتیکی میان جامعه‌ی سیاسی و مدنی، یعنی میان دولت به معنای دقیق آن و بقیه‌ی جامعه است. به قول گرامشی: «دولت = جامعه‌ی سیاسی + جامعه‌ی مدنی» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۲]، ص ۲۶۳). او معتقد است که سازمان رضایت را نمی‌توان به دستگاه‌های دولتی مانند مدارس یا پلیس تقلیل داد. در عوض، نهادهای غیردولتی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. در واقع، طبق نظر گرامشی، این امر در جامعه‌ی مدنی ظهور می‌کند. او استدلال می‌کند که هژمونی - تعامل موفق بین اجبار و اقناع، جامعه‌ی سیاسی و مدنی - «در کارخانه متولد می‌شود» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۲]، ص ۲۸۵).

گرامشی با این فرمول‌بندی حداقل به دو شرط اشاره می‌کند که سازمان‌دهی رضایت را در جامعه‌ی بورژوازی ضروری می‌کند. اول، ضرورت اقناع طبقات فرودست ناشی از تضاد اقتصادی - اجتماعی است که از جامعه‌ی مدنی نشأت می‌گیرد و اساساً در کارخانه متراکم می‌شود. به بیان دیگر، نیاز به سازماندهی رضایت نتیجه‌ی روابط اجتماعی - اقتصادی استثمار است. دوم، از آن جا که روابط اجتماعی - اقتصادی در سرمایه‌داری آنتاگونیستی است و هژمونی سعی در تنظیم و تعدیل تناقضات آن دارد، ساخت هژمونی نیز بین دو طبقه‌ی اصلی مورد مناقشه است. هژمونی هرگز کاملاً مهر و موم شده نیست.

گرچه ریشه در روابط اقتصادی - اجتماعی دارد، اما مبارزه برای هژمونی به هیچ وجه محدود به حوزه‌ی اقتصادی نیست. درگیری طبقاتی برای هژمونی نیز در عرصه‌های سیاسی و ایدئولوژیک انجام می‌شود. این‌ها نیز در اشکال خاص خود در معرض کشمکش قرار می‌گیرند و دارای ساختی طبقاتی هستند. با توجه به شرایط متفاوت - مهم‌تر از همه قدرت پول انباشته و یک دولت طبقاتی - سرمایه‌مزیستی ساختاری در این عرصه‌ها دارد و با مبارزه‌های ناهموار روبروست.

نبرد برای هژمونی از بازیگران مستقیم مبارزه‌ی طبقاتی در بخش اقتصادی جامعه‌ی مدنی، از طریق جامعه‌ی مدنی در قالب پروژه‌های استراتژیک رقیب به دولت منتقل می‌شود. نتیجه‌ی مبارزات طبقاتی در دستگاه‌های مختلف مالی، ایدئولوژیک و

سایر دستگاه‌های دولتی و سیاست آن‌ها متراکم است. با توجه به موقعیت‌های دستگاه‌های دولتی در مقایسه با نهادهای سیاسی غیردولتی، سیاست آن‌ها تأثیرات تقویت‌کننده و انتخابی استراتژیکی در شکل‌گیری هژمونی دارد.

حال، در واقع رضایت چگونه سازماندهی می‌شود؟ چگونه توده‌های استثمار شده و به حاشیه رانده شده ترغیب می‌شوند تا سلطه‌گران به طبقه‌ی حاکم تبدیل شوند؟ گرامشی این فرایند را با توجه به دو عنصر اصلی تحلیل می‌کند. اول، او خاطر نشان می‌کند که باید وحدت بین جناح‌های موجود در طبقه‌ی مسلط ایجاد شود تا بتوان به هژمونی دست یافت.<sup>۱</sup> با دو اقدام اساسی می‌توان به این وحدت دست یافت. اول، سرمایه‌داران مجبورند از منافع اقتصادی، جناحی محدود و خودخواهی‌های خود دست بکشند. دوم، آن‌ها باید چارچوبی برای یک ایدئولوژی و فرهنگ مشترک سیاسی بین خودشان تنظیم کنند. چنین چارچوبی به‌هیچ‌وجه اختلافات یا درگیری‌ها در مورد طرح انضمامی آن را از بین نمی‌برد.

فرآیند دوم ساخت هژمونی شامل ایجاد تأیید طبقه‌ی مسلط به‌وسیله‌ی طبقات فرودست یا برخی از جناح‌های مربوط به آن است. برای انجام موفقیت‌آمیز این کار، لازم است حداقل سه جزء به‌صورت دیالکتیکی ترکیب شود. اول، «منافع و تمایلات گروه‌هایی که هژمونی بر آن‌ها اعمال می‌شود، در نظر گرفته شده است» (گرامشی ۱۹۹۶ [۱۹۷۵]، ص. ۱۸۳). این بدان معناست که طبقه‌ی غالب موظف به «نوعی قربانی کردن اقتصادی - شرکتی» (گرامشی ۱۹۹۶ [۱۹۷۵]، ص. ۱۸۳) به عنوان مبنای سازش است. «با این حال، این قربانی‌ها نمی‌توانند موارد ضروری را تحت تأثیر قرار دهند» (گرامشی ۱۹۹۶ [۱۹۷۵]، ص. ۱۸۳). به عبارت دیگر، حداقل برخی از بخش‌های طبقه‌ی کارگر امتیازاتی مادی دریافت می‌کنند که از نظر اقتصادی می‌تواند برای سود و انباشت زیان‌آور باشد. با این وجود، این امتیازات هرگز روابط تولید بورژوازی یا رابطه‌ی

<sup>۱</sup> در مابقی مقاله، از تکرار این که سازمان‌دهی هژمونی نه لزوماً توسط یک طبقه به‌طور کلی، بلکه توسط جناح‌های طبقات انجام می‌شود خودداری می‌کنیم. در واقع، بنیاد و اساس هژمونی بورژوازی توسط کل طبقه‌ی سرمایه‌دار به اجرا گذاشته می‌شود. از طرف دیگر، بین جناح‌های طبقاتی (به‌ترتیب درون سرمایه و کار) در مورد هژمونی درون هژمونی بورژوازی نیز مبارزه وجود دارد.

بازار را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. دوم، سرمایه سبکی از زندگی یا زندگی روزمره را حول کالاهایی که در بازار فروخته می‌شوند و مربوط به تأمین نیازهای توده‌ی مردم است، طراحی می‌کند. با این حال، شیوه‌ی زندگی به هیچ طریقی نمی‌تواند به مصرف فردی کالاها تقلیل یابد. از جمله موارد دیگر، طرح‌هایی برای ساخت فرهنگی و سیاسی زندگی و (خود)پنداره از انسان‌ها است: ذهنیت‌ها و هویت‌ها. در زیر، شیوه‌ی زندگی گوشت‌خواری را که برای هژمونی گوشت ضروری است شرح می‌دهیم. سرانجام، سوم، هژمونی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که طبقه‌ی غالب در تبدیل ایده‌های خود به ایده‌های غالب جامعه موفق شود. این موضوع به ایدئولوژی‌ها، روایت‌های ایدئولوژیکی و اشکال فکری نژادپرستانه، گونه‌پرستانه و سایر موارد اشاره دارد که همزمان بهره‌کشی و سلطه بر طبقه‌ی فرودست، حیوانات و طبیعت توسط سرمایه را توضیح، توجیه و پنهان می‌کنند.

اگرچه با در نظر گرفتن این ساختار هژمونی، باید تأکید کرد که، همان‌طور که در بالا ذکر شد، سرمایه به هیچ‌وجه انحصار سیاست، فرهنگ یا ایدئولوژی‌ها در صورت‌بندی اجتماعی فعلی را ندارد. بلکه سبک زندگی و ایدئولوژی‌ها را با توجه به منافع اقتصادی خاص خود ایجاد و ترویج می‌کند. در عین حال، هم‌زمان، سبک زندگی و اشکال فکری به‌طور مداوم توسط دیگر بازیگران جامعه‌ی مدنی و دولت در عرصه‌های مورد منازعه‌ی سیاست، فرهنگ و ایدئولوژی بازسازی شده و توسعه می‌یابد. پیوند مستقیم به آنتاگونیسم با سرمایه در کارخانه کاهش می‌یابد و خود (باز)تولید نسبتاً خودمختار فرهنگ و ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری با افزایش فاصله از روند تولید سود رشد می‌کند. (باز)تولید نسبتاً خودمختار فرهنگ و ایدئولوژی‌های سرمایه‌داری حتی فضایی را در مویرگ‌های جامعه‌ی مدنی برای اشکال غیر و ضدسرمایه‌داری باز می‌کند. یک‌بار دیگر، هژمونی هرگز مهروموم نمی‌شود. به‌علاوه، سرمایه و تمام بازیگران دیگر در زندگی



روزمره با بسیاری از سنت‌های جوامع قبل از سرمایه‌داری پیوند خورده و آن‌ها را با عناصر معاصر فرهنگ روزمره ترکیب می‌کنند.<sup>۱</sup>

در مجموع، در حالی که دولت به‌معنای دقیق، مالکیت خصوصی و جابه‌جایی آزاد کالا و پول را با زور تضمین می‌کند، طبقه‌ی مسلط سعی در ایجاد وحدت داخلی و با استفاده از فداکاری‌های اقتصادی از یک سو، و ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی از سوی دیگر یک اجماع بین‌طبقه‌ای در جامعه‌ی مدنی و دولت دارد. اگر تمام این فرایندها به‌هم پیوند بخورند، شکاف بین استثمارگران و استثمارشدگان پر می‌شود. آن‌گاه، جامعه‌ی مدنی و سیاسی به یک سمت واحد می‌رود و رضایت از روابط استثمار سرمایه‌داری برقرار می‌شود. به‌طور خلاصه، هژمونی حاصل می‌شود، طبقه‌ی مسلط به طبقه‌ی رهبری‌کننده تبدیل می‌شود و انباشت سرمایه می‌تواند ادامه یابد - حداقل تا زمانی که به‌طور مؤثر و جدی با تحولات ساختار اقتصادی به چالش کشیده یا تضعیف شود. در ضمن، حفظ هژمونی همچنان مورد مناقشه باقی می‌ماند و جنبش‌های مخالف برای از بین بردن آن تلاش خواهند کرد، که این امر مستلزم سرمایه‌گذاری طبقه‌ی حاکم در کار، زمان، فناوری‌ها و نیروی انسانی است.

## ۵ - وحدت سرمایه‌ی گوشتی

قبل از اینکه وارد بحث ایجاد هژمونی گوشت شویم، لازم است که جزئیات نقش حیوانات در روابط اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری و ساخت هژمونی را که در بالا معرفی کردیم یادآوری کنیم. اولین نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد تفاوت بین طبقه‌ی کارگر و حیوانات از نظر عاملیت سیاسی است. در حالی که کارگران مزدی می‌توانند برای منافع خود از نظر سیاسی مبارزه کنند، حیوانات قادر به انجام همین کار نیستند - حداقل به اندازه‌ی کافی. بنابراین، طرف‌های سیاسی و مخاطبان سرمایه‌ی

<sup>۱</sup> در این مقاله، ما در مورد حالت‌های نسبتاً خودمختار توسعه و بازتولید هر حوزه، یعنی سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی، در مورد هر یک از سوابق آن‌ها، یا اثرات معطوف به گذشته‌ی آن‌ها بر روابط اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری بیشتر توضیح نمی‌دهیم.

گوشتی برای ایجاد رضایت در فوق‌استثمار حیوانات در صنعت گوشت، خود حیوانات نیستند. در عوض، مخاطبان، بخش‌هایی از جامعه‌ی طبقاتی سرمایه‌داری هستند که می‌توانند حیوانات را به‌طور بالقوه در مبارزات سیاسی خود ادغام کنند و متعهد به بهبود وضعیت آن‌ها شوند. به عبارت دیگر، یافتن تعدیل‌هایی برای تعارض میان سرمایه و کار به‌معنای نظریه‌ی هژمونی گرامشی امری اجتناب‌ناپذیر است، زیرا انسان‌های فرودست خود به مانع انباشت و سلطه تبدیل می‌شوند. با این حال، نارضایتی و عدم اطاعت حیوانات تا حد زیادی توسط فناوری‌های موجود در کارخانه‌ها مهار می‌شود. فقط انسان‌ها قادر هستند نیازهای حیوانات را به مشکلات بزرگ‌تر انباشت و سلطه تبدیل کنند، همان‌طور که جنبش‌های مختلف اجتماعی در طول تاریخ در این راه تلاش کرده‌اند. در رابطه با مطالبات این جنبش‌ها، که چالش‌های سیاسی، فرهنگی، ایدئولوژیکی و حتی گاهی اقتصادی را بازتاب می‌دهد، و برای جلوگیری از جلب همدردی افشار گسترده‌تر جامعه، سرمایه‌ی گوشتی باید پیشنهادی ارائه دهد که امکان بازتولید بهره‌کشی از حیوانات و سلطه بر آنان را فراهم کند اما به روشی تعدیل‌شده. دامنه‌ی تعدیلات به قدرت جنبش‌ها و میزان پیشرفت سیاسی آن‌ها بستگی دارد.

نکته‌ی دوم شامل سه جنبه است. اول، مالکیت خصوصی بر حیوانات بخشی از مالکیت خصوصی سرمایه‌داری بر ابزار تولید به‌طور کلی است. دوم، رضایت نسبت به فوق‌استثمار حیوانات برای تولید گوشت تنها بخشی از رضایت برای فوق‌استثمار حیوانات است. سوم، فوق‌استثمار همچنین تنها یکی از عناصر ملی و بین‌المللی (فوق) استثمار طبقه‌ی کارگر و طبیعت توسط سرمایه به‌طور کلی است. به‌عبارت دیگر: تولید گوشت، سبک زندگی پیرامون گوشت و ایدئولوژی‌های طرفدار گوشت با جنبه‌های دیگر هژمونی بورژوازی گره خورده است و فقط می‌تواند از لحاظ تحلیلی از آن‌ها جدا شود.

به‌عبارت دیگر، در حالی که تمرکز مقاله‌ی حاضر بر ایجاد رضایت از فوق‌استثمار حیوانات در سرمایه‌داری است، نمی‌توان سازمان‌دهی و موفقیت آن را بدون زمینه‌ی گسترده‌تری از رابطه‌ی سرمایه، رابطه‌ی سرمایه - طبیعت و رضایت سازمان‌یافته از استثمار کارگران مزدی و طبیعت فهمید (نگاه کنید به Stache 2019). از طرف دیگر، حفظ هژمونی بورژوازی در کلیت آن، که هژمونی گوشت بخشی از آن است،

بدون نوعی اغماض منفعل نسبت به آنچه در تولید سرمایه‌داری بر سر حیوانات می‌آید یا اعطای امتیازاتی به جنبش‌های اجتماعی که برای اصلاحات برای حیوانات می‌جنگند، نمی‌تواند موفق شود.

با در نظر داشتن این تعدیلات و انتزاعات نظری، در مورد چگونگی پیشرفت سرمایه‌ی گوشتی به دو روشی که در بالا اشاره شد و برای سازمان‌دهی هژمونی، تحقیقات بیشتری لازم است. اولین مورد مربوط به ایجاد وحدت داخلی است که مستلزم کنار گذاشتن خودخواهی‌های اقتصادی جزئی و توسعه‌ی اشکال ایدئولوژیک مشترک است. ما مشاهدات زیر را به‌عنوان نقطه‌ی شروع تجربی برای مطالعات آتی پیشنهاد می‌کنیم.

در آلمان، سرمایه‌ی گوشتی سعی می‌کند با سازمان‌دهی در گروه‌های ذی‌نفع سیاسی، که اجازه‌ی بحث داخلی، هماهنگی و گفتگو با یک صدا را با جامعه و دستگاه‌های دولتی فراهم می‌کند، بر خودخواهی‌های جزئی خود غلبه کند. این گروه‌های ذی‌نفع به‌خوبی ساختار صنعت گوشت (قرمز) آلمان را منعکس می‌کنند. **VdF** (Verband der Fleischwirtschaft)، انجمن صنایع گوشت)<sup>۱</sup> سازمان پشتیبان و نزدیک به انحصارات بزرگ گوشتی است که ذبح گوشت و تولید آن را به عهده دارند. سه سرمایه‌دار برجسته در صنعت گوشت (**Vion**، **Tdnies** و **Westfleisch**) هر یک نمایندگانی در هیئت‌مدیره‌ی آن دارند (**VdF 2020**). سرمایه‌داران کوچک گوشتی و عمدتاً فرآوری‌کنندگان گوشت در **Bundesverband der deutschen Fleischwaren industrie** (**BVDF**)، انجمن فدرال صنعت گوشت آلمان) گرد هم می‌آیند. با این حال، در حالی که **VdF** و **BVDF** مؤسسه‌هایی جدا از هم هستند، هدف آن‌ها اتحاد آتی صنعت گوشت است. برای مثال، آن‌ها جلسات سالانه‌ی خود را از سال ۲۰۰۴ با هم برگزار کرده‌اند و مقالات مشترکی دارند (به **VdF** و **BVDF 2019** مراجعه کنید). علاوه بر این، آن‌ها با هم در سازمان ارتقای صادرات گوشت آلمان **GmbH** کار می‌کنند.

<sup>۱</sup> تمام برگردان‌ها از آلمانی به انگلیسی توسط نویسندگان انجام شده است مگر اینکه ترجمه‌های حرفه‌ای در دسترس باشد.

ابزار اصلی برای ایجاد نظرگاه‌ها و ایدئولوژی‌های رایج برای صنعت گوشت در آلمان، ماهنامه‌ی **Fleischwirtschaft** ارگان رسمی **BVDF** است. با این همه، موضوعاتی را نیز که به صنایع بزرگ آماده‌سازی و بسته‌بندی گوشت مربوط می‌شوند، پوشش می‌دهد. هیئت مشورتی آن شامل رئیس سابق **VdF** (پل برند، ۱۹-۲۰۰۷)، مدیرعامل سابق **BVDF** (دکتر یواخیم ویگنر، ۱۴-۱۹۹۹) و دکتر کلاوس یوزف هوگ، عضو هیئت مدیره‌ی **BVDF** از سال ۲۰۱۳ است. هیئت مشورتی نقطه‌ی اتصالی از شبکه است که در میان گروه‌های ذی‌نفع سرمایه‌ی گوشتی و مؤسسات علمی وابسته گره خورده است. این مجله هم به موضوعات مربوط به تولید گوشت و هم به دستگاه‌های دولتی می‌پردازد. **Fleischwirtschaft** و مرکز انتشاراتی آن (گروه رسانه‌ای **dfv**) همچنین مسئول مهم‌ترین کنفرانس‌ها و کنگره‌های سالانه‌ی صنعت گوشت آلمان هستند. به‌عنوان مثال، آن‌ها به‌طور منظم **Frisch Forum Fleisch** (انجمن گوشت تازه)، بخشی از هفته‌ی بین‌المللی سبز، «داووس تجارت کشاورزی» (**Messe Berlin 2020**) را در برلین برگزار می‌کنند. بنابراین، **Fleischwirtschaft** و گروه رسانه‌ای **dfv** فضایی را برای بحث و گفتگو و کار جمعی درباره‌ی مواضع در مورد موضوعات فعلی و استراتژیک فراهم می‌کنند.

فقط برای مثالی دیگر و مقایسه‌ای کوتاه، در ایالات متحده، ساختار مشابه اما متفاوت است. سازمان‌های خواهر **VdF** و **BVDF**، انستیتوی گوشت آمریکای شمالی (**NAMI**) و انجمن فرآوری‌کنندگان گوشت آمریکا (**AAMP**)، به‌ویژه اولی، بسیار بیشتر فعال هستند و در مدیریت افکار عمومی توسط خود و سازمان‌دهی انسجام میان خود فعالیت می‌کنند. این شامل موقعیت ضعیف‌تر مجلاتی مانند **Meat + Poultry** (گوشت + طیور) است که با وجود این به روشی که در بالا اشاره شد به وحدت صنایع آماده‌سازی گوشت کمک می‌کند.

## ۶ - فداکاری، سبک زندگی گوشت خوار و ایدئولوژی‌های گوشت

بخش دوم در ساخت هژمونی گوشت که در آن نیاز به تحقیقی عمیق و دقیق را تشخیص می‌دهیم، در مورد تلاش سرمایه‌ی گوشتی برای ایجاد رضایت در بین طبقه‌ی فرودست با استفاده از فداکاری‌های مقتضی، سبک زندگی طراحی شده حول گوشت و مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌های مرتبط است. در زیر برخی از افکار و مشاهدات اولیه در مورد این موضوع آمده است.

اولین نکته در این زمینه دموکراتیزه کردن فراطبقاتی (cross-class) اعمال حاکمیت بر حیوانات است. به عبارت دیگر، انسان‌ها از هر طبقه‌ای مجاز به داشتن حیوانات به‌عنوان دارایی خصوصی در سرمایه‌داری هستند. به این ترتیب، حکومت‌شونده‌ها می‌توانند در اعمال حاکمیت شرکت کنند، به‌عنوان مثال با داشتن حیوانات خانگی. بنابراین، آن‌ها می‌توانند نوعی سلطه را اعمال کنند، که در بیشتر موارد نسبت به کشتارگاه‌ها یا دامداری‌ها به‌وضوح بسیار ظریف‌تر و کم‌تر وحشیانه است. با این حال، در رابطه با حیوان، به نظر می‌رسد که تفاوتی بین کارگران مزدبگیر و سرمایه‌داران وجود ندارد، حتی اگر این دومی از استثمار و سلطه بر حیوانات سود مالی ببرند، در حالی که اولی‌ها این کار را نمی‌کنند. ما گمان می‌کنیم که این دموکراتیزه کردن فراطبقاتی سلطه دلیل اصلی این باشد که فوق‌استثمار حیوانات در نگاه اول موضوعی مربوط به گونه به نظر می‌آید و نه یک موضوع طبقاتی.

دومین امتیاز مهم، تدوین حقوقی رفاه‌گرایی حیوانات است. حیوانات به‌ویژه در مورد زندگی در خارج از فرایندهای مستقیم اقتصادی، به‌طور رسمی توسط قوانین بورژوازی حمایت از حیوانات محافظت می‌شوند. با این حال، در حوزه‌ی فوق‌استثمار حیوانات، شرکت‌ها نیز حداقل باید برخی از مقررات را رعایت کنند. قانون حمایت از حیوانات آلمان می‌گوید: «زندگی و رفاه» «حیوان به‌عنوان یک موجود دیگر» «باید محافظت شود». با این حال، یک روزنه‌ی شناخته‌شده وجود دارد، زیرا قانون ادامه می‌دهد که «درد، رنج یا آسیب به یک حیوان» می‌تواند در صورت «علت منطقی» اعمال شود (BMJV 2019). این شامل مهم‌ترین منافع اقتصادی حاصل از گوشت و سایر

تولیدات حیوانی می‌شود. در این راستا، ما نیاز به بحث بیشتر را از دیدگاه نظریه‌ی هژمونی در مورد نقش رفاه‌گرایی حیوانات در توجیه بهره‌کشی از حیوانات لازم می‌دانیم. جنبه‌ی سوم، مقرون‌به‌صرفه‌بودن گوشت، حداقل در کلان‌شهرهای امپریالیستی است. در حقیقت، قیمت‌های پایین کالاهای گوشتی ناشی از (فوق)استثمار کارگران عمدتاً مهاجر، سود بالای سرمایه‌ی گوشتی را نیز تضمین می‌کند. اما در عین حال، آن‌ها اطمینان می‌دهند که توده‌های فرودست می‌توانند شریک مصرف گوشت باشند که بیانگر توانگری محسوب می‌شود و به یکی از اجزای اصلی رژیم غذایی امپریالیستی تبدیل شده است. مصرف انبوه آن نشان می‌دهد که مردم کلان‌شهرها بخشی از یک جامعه‌ی مرفه پیشرفته باشند (Fiddes 1991, pp. 165-175; Rifkin 1992, pp. 245-249). با این حال، مصرف انبوه گوشت به‌سادگی یک نیاز طبیعی نیست و مفید خواهد بود که به‌صورت تاریخی بررسی کنیم که چگونه آن را بخشی از شیوه‌های معاصر زندگی کرده‌اند به‌گونه‌ای که به سرمایه‌ی گوشتی اجازه می‌دهد بر سر قیمت‌ها مصالحه و هم‌زمان سود کسب کند.

تمام این «فداکاری‌ها»، که هیچ‌کدام «تأثیری بر موارد ضروری ندارند» (گرامشی ۱۹۹۶ [۱۹۷۵]، ص ۱۸۳)، مبنای مهمی برای پیروزی بر طبقات فرودست برای حفظ وضعیت موجود است که برای آن فوق‌استثمار حیوانات الزامی است. با توجه به این هر دو واقعیت که حیوانات موجوداتی واجد احساس هستند و همچنین مجموعه‌ای از تأثیرات اجتماعی، زیست‌محیطی و سلامتی مرتبط با صنعت گوشت، دومی نمی‌تواند به‌راحتی و بدون چنین مصالحه‌ها و توجیهات ایدئولوژیکی، به‌عنوان مثال، از طریق رفاه‌گرایی حیوانات، به حیات خود ادامه دهد. با این حال، جنبه‌های ذکر شده به‌تنهایی باعث هژمونی گوشت نمی‌شود. فراتر از آن‌ها، هدف سرمایه‌ی حیوانی پروراندن یک سبک زندگی گوشت‌خوار حول گوشت و ترویج روایت‌های ایدئولوژیکی بیشتری است که آنچه را که بر سر حیوانات می‌آورد عادی، توجیه و پنهان سازد.

سبک زندگی بورژوازی از جهات مختلف گوشت‌خوار است. زندگی روزمره بدون شک بر روی گوشت به‌عنوان بخشی از تغذیه بنا شده است. از غذاهای سطح عالی گرفته تا کباب رایج - آشپزی و خوردن عمدتاً حول گوشت بنا می‌شود، حتی اگر رژیم‌های گیاه‌خواری و وگن در دنیای غرب محبوبیت بیشتری پیدا کرده باشد. به این

ترتیب، فرهنگ روزمره‌ی بسیار متنوع آشپزی و غذا خوردن فروش کالاهای حیوانی را تضمین می‌کند. اما همچنین نیازهای انسان به تغذیه و تکنیک فرهنگی متداول پخت‌وپز را با شکل جاری فوق‌استثمار حیوانات ارتباط می‌دهد.

این سبک زندگی را که انواع مختلف تبلیغات سرمایه‌ی گوشتی شکل داده‌اند، رسانه‌های جمعی تقویت و گسترش می‌دهند. این شامل تبلیغات مستقیم مربوط به محصول، اطلاعات در مورد تغذیه‌ی «مدرن» و «سالم»، و انتشار دستورالعمل‌ها و ایده‌های پخت‌وپز برای انواع گوشت‌هایی است که سرمایه‌ی گوشتی تولید می‌کند. این امر به‌ویژه به این دلیل مهم است که بر اساس تفکر گرامشی، رژیم غذایی همراه با مسکن، لباس و تولیدمثل، «از جمله عناصر زندگی اجتماعی است که در آن روابط اجتماعی به‌شکل کلی به بارزترین و گسترده‌ترین حالت (یعنی توده‌ای) نمایان می‌شود» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۲]، صفحات ۳۵۴-۳۵۵). یک مثال خوب برای سازمان‌دهی سبک زندگی مبتنی بر گوشت، وبسایت مشتری‌مدار [fleischexperten.de](http://fleischexperten.de) (متخصصان گوشت) است که تمام بازیکنان اصلی سرمایه‌ی گوشتی آلمان در سال ۲۰۱۹ راه‌اندازی کرده‌اند یا وبسایت‌های مختلفی که NAMI میزبانی می‌کند مانند [meatpoultrynutrition.org](http://meatpoultrynutrition.org) یا [mymeatup.org](http://mymeatup.org). در کنار موارد دیگر، آن‌ها دستورالعمل‌هایی برای هر نوع گوشت ارائه می‌دهند و از مزایای رژیم غذایی مبتنی بر گوشت تمجید می‌کنند.

اگرچه سرمایه‌ی گوشتی از قدرت طبقاتی برای هماهنگ کردن یک فرهنگ روزمره‌ی گوشت‌خوار از موضعی مسلط برخوردار است، اما نمی‌تواند آن را کاملاً تعیین کند. مشاهدات مشابه را پژوهشگران مطالعات فرهنگی مانند استوارت هال انجام داده‌اند. با این حال، ما در کنار موارد دیگر مجدداً به تئوری هژمونی گرامشی رجوع می‌کنیم، زیرا ویژگی کار وی با درک هم‌زمان سیاست، ایدئولوژی و فرهنگ به‌عنوان ابزار سلطه‌ی طبقاتی از یک سو، و به‌عنوان یک عرصه‌ی مبارزه از سوی دیگر مشخص

<sup>۱</sup> در پاییز سال ۲۰۲۰، وبسایت دیگری با عنوان [fokus-fleisch.de](http://fokus-fleisch.de) (تمرکز گوشت) با همان جهت‌گیری جایگزین آن شد که به همان اهداف می‌پردازد.

می‌شود. حال تمایل دارد این مشکل را به نفع مفهوم جنگ موضعی (war of position) حل کند. آنچه گم می‌شود، هم دیالکتیک ساختار اجتماعی و عامل آگاه است و هم ضرورت توجیه ایدئولوژیک در جامعه‌ی طبقاتی سرمایه‌داری. (برای بحث در مورد برتری‌های درک گرامشی از ایدئولوژی نسبت به هال، نگاه کنید به Bernhold 2019، صفحات ۳۸-۱۹).

اشکال ایدئولوژیک و فرهنگی در استقلال نسبی از سرمایه‌ی گوشتی تجلی می‌یابد. این امر به‌ویژه در صنعت فرهنگی مجلات آشپزی، وبلاگ‌ها، شوهای تلویزیونی و غیره مشهود است. معمولاً، این‌ها مستقیماً به شرکت‌های گوشتی وابسته نیستند. با وجود این، صنعت فرهنگی پخت‌وپز، سبک زندگی گوشت‌خواری غالب را به‌گونه‌ای بازتولید می‌کند که بتوانند با سودآوری تولید و بنابراین از لحاظ فرهنگی از روشی برای زندگی که به نفع صنعت گوشت است حمایت کنند.

یکی دیگر از جنبه‌های زندگی روزمره‌ی مرتبط با گوشت، نقش گوشت و مصرف آن در ساخت هویت‌ها و ذهنیت‌ها است. در نیمکره‌ی غربی، گوشت به‌عنوان مثال تجسم مردانگی، قدرت و سلطه، و مصرف آن به‌عنوان مظهر غذای مردانه در نظر گرفته می‌شود (Adams 1990; Fiddes 1991, pp. 144-164; Rifkin (1992, pp. 236-244).

در این زمینه، باز هم می‌خواهیم دو مثال مختصر از آنچه باید به‌شکلی نظام‌مند در چارچوب هژمونی گوشت مورد بررسی و بحث قرار گیرد، ارائه کنیم. اول: در سال ۲۰۱۷، سومین تولیدکننده‌ی گوشت در میان خرده‌فروشان در آلمان، Edeka، کمپین رسانه‌ای برای گوشت کبابی را تحت هشتگ 'herrendesfeuers' (لردهای آتش) منتشر کرد. اوج تبلیغات آن یک ویدئو بود (Edeka 2017). در آن، اسطوره‌ی مسیحی خدای پدر که به مردم آتش داد تا تاریخ را به راه بیندازند، از منشاء فرضی آن تا مردان امروزی که گوشت کباب می‌کنند، دنبال می‌شود. داستان را پیرمرد سفیدپوستی با کت و شلوار روایت می‌کند. این کلیپ ادعا می‌کند که در طول تاریخ، مردان تنها با تلاش برای بیشترین کنترل بر آتش توانستند مرد شوند. در اینجا از آتش به‌عنوان نمادی برای پیروزی در جنگ‌ها، تسخیر جهان و داشتن قدرتمندترین قوای جنسی استفاده می‌شود. با این حال، داستان اصلی این است که کنترل آتش با اعطای



نیروی کباب کردن و خوردن گوشت به مرد، از او یک مرد می‌سازد. بنابراین، فیلم یک هویت‌بخشی از مردانگی فراتاریخی است که اساساً با گوشت ارتباط دارد.

دوم، ذهنیتی که توسط فرهنگ رایج مدرن به مردان ارائه می‌شود کمتر سنتی اما نه کمتر مردانه است. به‌عنوان مثال مجله‌ی دو ماهانه‌ی آشپزی آلمانی **Beef!**، همان طور که زیرنویس آن '**Manner kochen anders**' (مردان به‌طرز متفاوتی آشپزی می‌کنند) اشاره می‌کند، بر روی مردان به‌عنوان یک گروه هدف متمرکز شده است. این مجله به یک مردانگی سنتی توسل می‌جوید، زیرا به‌طور منظم گوشت و مصرف گوشت را با زنان (یا اعضای بدن زنان) و قدرت بر آن‌ها برابر می‌کند. به‌عنوان مثال نشریه‌ی شماره‌ی ۲ سال ۲۰۱۲، دوستان از تکه‌های همبرگر خام را روی جلد خود با عنوان «ممه‌های بزرگ» (**Beef 2012**) نشان می‌دهد، یعنی با یک نام عامیانه برای سینه‌های بزرگ زن، آن‌ها و تکه‌های برگر را برابر می‌کند، همان طور که برای مردان مطلوب است. در عین حال، در همان زمان، این مجله به یک مردانگی مدرن اشاره می‌کند، به‌عنوان مثال به این معنا که مخاطب مردانی هستند که خودشان «پخت‌وپز» می‌کنند و آشپزی را به‌عنوان نوعی هنر که نشان‌دهنده‌ی مردان است در نظر می‌گیرند.

از زمان کارول جی آدامز (۱۹۹۰) بسیاری از نمونه‌های مشابه را نظریه‌پردازان فرهنگی بررسی کرده‌اند. با این حال، بینش کلیدی در رویکرد مبتنی بر نظریه‌ی هژمونی ما این است که فرهنگ‌ها و ذهنیت‌های مربوط به گوشت (پخت‌وپز) را نمی‌توان به‌طور کامل درک کرد، اگر این‌ها در ارتباط با مناسبات اجتماعی بهره‌کشی و منافع مربوط به سرمایه‌ی گوشتی، یعنی به‌عنوان پدیده‌های فرهنگی دیده نشوند. مجله‌ی **Beef!** برای ایجاد ذهنیت‌ها به‌عنوان ابزار بی‌واسطه‌ی سرمایه‌های گوشتی خاص عمل نمی‌کند. با این حال، در زمینه‌ی گسترده‌ای از فرهنگ گوشت که در اطراف تولید گوشت ایجاد شده کار می‌کند، و مستقیماً توسط مجله‌ی **Fleischwirtschaft** تبلیغ می‌شود، و مواردی مشابه. تحلیل بیشتر چنین فرایندها و روابطی از منظر گرامشی می‌تواند به ما کمک کند تا رابطه‌ی کافی میان کلیت ارگانیک مناسبات اجتماعی سرمایه‌داری و منافع سرمایه از یک سو و شرایط فرهنگی خاص از سوی دیگر را درک

کنیم. بنابراین، می‌توانیم هم از به تصویر کشیدن علل اقتصادی ریشه‌ای به‌عنوان عوامل مؤثر بلاواسطه در هر جنبه از زندگی اجتماعی و هم از ارزیابی بیش از حد عنصر فردی عمل انسانی بر اساس انتخاب آزاد جلوگیری کنیم (نگاه کنید به گرامشی ۲۰۱۲ [۱۹۷۵]، ص ۴۹۴).

سرانجام، در حوزه‌ی گفت‌وگوها و ایده‌ها، سرمایه‌ی گوشتی سعی می‌کند مصرف گوشت را به‌عنوان چیزی مورد علاقه‌ی عموم جامعه‌ی بشری قلمداد کند. این امر به هدف مشروعیت بخشیدن، توجیه و پنهان کردن روابط استثمارگرانه و ظالمانه‌ای است که تولید گوشت ناگزیر بر آن استوار است. در بیانیه‌های شرکت، کمپین‌های تبلیغاتی یا در وبسایت فوق‌الذکر [fleischexperten.de](http://fleischexperten.de)، گوشت، از جمله چیزهای دیگر، به‌عنوان سهمی در حاکمیت غذا، سلامتی، سنت، رفاه برای همه، آزادی فردی در انتخاب، و لذت بردن ارائه می‌شود.

برای مثال، [fleischexperten](http://fleischexperten.de) مدعی است که «گوشت بیانگر لذت، کیفیت و سلامت» است. در مقاله‌ای، نویسندگان وبسایت‌ها همچنین استدلال می‌کنند که مصرف گوشت «برای سلامتی ما مهم است» (Fleischexperten 2019a). به‌علاوه، آن‌ها از یک عنصر کلاسیک توجیهی گونه‌پرستانه استفاده می‌کنند، زیرا می‌گویند که «گوشت همیشه بخشی جدایی‌ناپذیر از رژیم غذایی بوده است» (Fleischexperten 2019b). گرچه از نظر تاریخی ممکن است درست باشد، اما ایدئولوگ‌های گوشت بحث را به توضیح و توجیه مصرف گوشت امروز تبدیل می‌کنند. آن‌ها از شرایط اجتماعی و تاریخی تغییر یافته برای یک تغذیه‌ی منطقی چشم‌پوشی می‌کنند و در عوض فوق‌استثمار و کشتار جمعی صنعتی حیوانات را مجاز می‌دانند.

در این‌جا، تحقیقات در مورد چگونگی انعکاس این ایدئولوژی‌ها در سیاست دستگاه‌های دولتی باید گسترش یابد. به‌عنوان مثال، وزارت غذا و کشاورزی فدرال آلمان (BMEL) و مقامات تابعه‌ی آن را در نظر بگیرید. چگونه این نهادها ایدئولوژی‌ها و گفت‌وگوهای سرمایه‌ی گوشتی را اتخاذ، آن‌ها را تقویت و توزیع می‌کنند، به آن‌ها هاله‌ی عمومیت و بی‌طرفی اعطا و از این رو، از مبارزه‌ی طبقاتی بر سر ایده‌ها از بالا حمایت می‌کنند؟

اژانس فدرال کشاورزی و غذا (BLE) که تازه (۲۰۱۷) تأسیس شده، یک زیرمجموعه از BMEL مسئول آموزش تغذیه، خوردن گوشت را به‌عنوان بخشی از «یک سبک زندگی سالم» ترویج می‌دهد (BLE 2018, p. 24). خود وزارتخانه نیز با استفاده از تقریباً همان کلمات مؤسسات صنعت گوشت در [fleischexperten.de](http://fleischexperten.de)، به تولید محصولات حیوانی در تاریخ و سنت اشاره‌ای واضح دارد. وزارتخانه در سند راهبردی خود درباره‌ی حیوانات دامداری ادعا می‌کند: «تولید شیر، گوشت و تخم‌مرغ متعلق به کشاورزی آلمان و مناطق روستایی است و غیرقابل چشم‌پوشی است» (BMEL 2019, p. 5). البته، توضیح نمی‌دهد که چرا صنعتی که مبتنی بر فوق‌استثمار حیوانات و (فوق) استثمار کارگران مزدی است، «غیرقابل چشم‌پوشی» است. در عوض، این صرفاً بازتولید ایدئولوژی‌های گونه‌پرستانه است که به تجسم منافع سرمایه‌ی گوشتی به‌عنوان منافع عمومی کمک می‌کند همان طور که سرمایه منافع خود را به‌عنوان منافع عمومی جامعه‌ی بورژوازی به تصویر می‌کشد (Bernhold 2019, p. 32).

روی هم‌رفته، سبک زندگی گوشت‌خوار، هویت‌ها و ذهنیات مبتنی بر گوشت، و ایده‌ها و گفتمان‌های گونه‌پرستانه، تناقض اجتماعی - اقتصادی را که در قلب سرمایه‌ی گوشتی نهفته است، برای افراد در زندگی روزمره تحمل‌پذیر می‌کند. فوق‌استثمار حیوانات در پس تمام این اشکال فرهنگی، ایدئولوژیک و سیاسی ناپدید می‌شود به‌شکلی که آن را به نفع تمام اعضای جامعه وانمود می‌کند. مفهوم هژمونی گوشت می‌تواند به درک چنین سبک‌های زندگی، هویت‌ها، فرهنگ‌ها و ایدئولوژی‌ها کمک کند بدون اینکه این واقعیت را فراموش کنیم که تمام آن‌ها در عرصه‌های طبقاتی در کشمکش هستند و سرمایه‌ی گوشتی نه تنها با به دست آوردن قدرت اقتصادی، بلکه همچنین با دستیابی - در تمام این زمینه‌ها - به یک اجماع که فراتر از مناسبات اجتماعی آنتاگونیستی است، یکپارچگی سلطه‌ی خود را سازمان می‌دهد.

## ۷ - هژمونی گوشت: نتیجه‌گیری و چشم‌انداز

برای پاسخ به پرسش اولیه‌ی این مقاله، این‌که چرا فوق‌استثمار اجتماعی - اقتصادی حیوانات و (فوق)استثمار کارگران مزدی همچنان ادامه دارد، ما مفهوم هژمونی گوشت را با اشاره به دستگاه اصطلاحات آنتونیو گرامشی معرفی کردیم. ما استدلال کردیم که سرمایه‌ی گوشتی توانسته است چنین هژمونی را ایجاد و حفظ کند. ساختمان هژمونی تناقض بین سرمایه‌ی گوشتی از یک سو و کارگران و حیوانات از سوی دیگر را در تولید کالاهای مبتنی بر گوشت تنظیم می‌کند. در دو بخش اول این مقاله، ما منشاء این تناقض را در رابطه‌ی سرمایه و رابطه‌ی سرمایه - حیوان قرار دادیم.

دو بخش بعدی دو رکن اساسی هژمونی گوشت بورژوازی را توسعه داد: اول، دولت از مالکیت خصوصی ابزارهای تولید، از جمله حیوانات محافظت می‌کند، بنابراین تولید کالاهای گوشتی را به وسیله‌ی سرمایه امکان‌پذیر و مناسبات بازار فروش و خرید این کالاها را تأمین می‌کند. دوم، سرمایه‌ی گوشتی هم وحدت سیاسی - ایدئولوژیک خود و هم رضایت میان بخش‌های طبقات فرودست را برای فوق‌استثمار حیوانات در تولید گوشت سازمان می‌دهد. این ساخت رضایت براساس امتیازات اقتصادی، یک سبک زندگی گوشت‌خوار و دسته‌ای از ایده‌ها است که باعث می‌شود تولید و مصرف گوشت به‌عنوان یک منفعت عمومی برای تمام افراد جامعه ظاهر شود. در اینجا، سرمایه‌ی گوشتی به‌شکلی قاطع به‌وسیله‌ی آن دستگاه‌های دولتی که ایدئولوژی‌های گونه‌پرستانه را تقویت و توزیع می‌کنند، حمایت، و هاله‌ای از عمومیت و بی‌طرفی به منافع سرمایه اعطا می‌شود.

مفهوم هژمونی گوشت که در این مقاله مطرح شده یک تقریب نظری و یک پیشنهاد است. با این حال، ما این مفهوم را نه‌تنها برای پیشرفت بحث نظری در مورد تداوم فوق‌استثمار حیوانات برای تولید گوشت مفید می‌دانیم، همچنین می‌تواند ابزارهای ارزنده‌ای برای توسعه‌ی سوسیالیسم حیوان‌گرایانه در پراکسیس فراهم کند. اول، می‌تواند به ما کمک کند تا تحلیل انضمامی (concrete) از وضعیت انضمامی را با توجه به فوق‌استثمار امروز حیوانات و توسعه‌ی صنعت گوشت بهبود دهیم. به‌عنوان مثال، وقتی گرهارد و همکاران (۲۰۱۹)، استدلال می‌کنند که

شکل‌گیری صنعت جایگزین گوشت گیاهی، صنعت گوشت سنتی را در معرض تضعیف در دهه‌های آینده قرار می‌دهد، آن‌ها نمی‌توانند موفقیت مداوم کمپانی‌های گوشتی را توضیح دهند، حتی اگر محصولات و گن بهره‌ بیشتری وارد بازار شده باشند. از این نتیجه می‌گیریم که برای تحقیقات آینده لازم است نوسازی احتمالی اقتصاد گوشت و پیکربندی مجدد هژمونی گوشت مورد واکاوی قرار گیرد. اینکه این مورد اخیر چقدر ممکن است برای کسانی که گوشت گیاهی را ترویج می‌کنند، مجال مبارزه در عرصه‌های سیاسی - ایدئولوژیک و فرهنگی را فراهم کند، باید بررسی شود. با این حال، به نظر می‌رسد که آن‌ها بیشتر از آنکه جایگزین سرمایه‌ی گوشتی باشند، مکمل آن هستند. بنابراین می‌توان مفهوم هژمونی گوشت را به طرز متمرثری برای نگاه تحلیلی به چگونگی سرمایه‌گذاری خود سرمایه‌ی گوشتی در گوشت گیاهی به منظور بهره‌مندی اقتصادی و استفاده از تصویر غذای گیاهی سالم و پایدار برای مشروعیت بخشیدن به تولید گوشت حیوانی مورد استفاده قرار داد (به‌عنوان بخشی از «سبز کردن» سرمایه‌داری). این بدان معنی است که این استراتژی‌های سرمایه را می‌توان به‌عنوان پیشنهاد درهم‌آمیزی برای جناح‌های طرفدار حیوانات در طبقات متوسط و کارگر تفسیر کرد: سرآغازی متأثر از سبک زندگی گوشت‌خوار و ایدئولوژی‌های گونه‌پرستانه‌ی مکمل توسط رفاه‌گرایان لیبرال حیوانات.

دوم، تفسیر ما از هژمونی گوشت، طرفدار درک از فرهنگ و اندیشه مبتنی بر روابط اقتصادی - اجتماعی استثمار است، هرچند هر دو در استقلال نسبی از اقتصاد عمل می‌کنند. از این نتیجه می‌شود که «کشاکش میان دو اصل هژمونیک» (گرامشی ۲۰۱۲ [۱۹۷۵]، ص ۱۲۵)، که یکی از آن‌ها بهره‌کشی را تولید و دیگری آن را تضعیف می‌کند، نمی‌تواند محدود به مبارزه در عرصه‌های فرهنگ و گفتمان باشد. مبارزه‌ی طبقاتی برای رهایی انسان و حیوان باید در عرصه‌ی اقتصادی نیز انجام شود، بدون این که از عرصه‌های دیگر عقب‌نشینی شود. در حقیقت، غلبه بر فوق‌استثمار حیوانات مستلزم اشکالی از فرهنگ، سیاست و اندیشه است که از ایده‌های انقلاب فرهنگی به‌عنوان یک هدفِ درخود فراتر رود.

بنابراین می‌توان از گرامشی آموخت که این فرض که یک فرهنگ غیر هژمونیک، به‌عنوان مثال یک رژیم وگن، به‌تنهایی می‌تواند تاریخ را به‌طور اساسی تغییر دهد، نمی‌تواند به مبنای اقتصادی ساختمان هژمونی اذعان کند. از این رو «اگر این ادعا درست بود، ماتریس تعیین‌کننده‌ی تاریخ آشپزخانه می‌شد و انقلاب‌ها با تغییرات اساسی در رژیم غذایی توده‌ها همزمان می‌شدند. از نظر تاریخی برعکس است. این انقلاب‌ها و تکوین پیچیده‌ی تاریخ است که رژیم غذایی را تغییر داده و «سلیقه‌های» پی در پی را در انتخاب غذا ایجاد کرده است» (گرامشی ۱۹۷۱ [۱۹۹۳]، ص ۳۵۴). بر این اساس، اجرای یک سبک زندگی وگن، و در نتیجه حیوان‌دوستانه، به‌عنوان فرهنگ روزمره‌ی جامعه‌ی ما، فقط با «وگن‌کردن» مردم حاصل نمی‌شود. «گسیختن ارتباط گوشت با زندگی خوب» (مالم ۲۰۲۰، ص ۱۳۷) مستلزم ایجاد تحول در روابط اقتصادی - اجتماعی است.

## منابع

- Adams. Carol J. 1990. *The sexual politics of meal. A feminist-vegetarian critical theory*. New York. London: Continuum.
- Adorno. Theodor W. 1973. *Negative dialectics*. New York: Routledge. 20CM.
- Alexandratos. Nikos, and Jelle Biuinsma. 2012. World agriculture towards 2030/2050: the 2012 revision. <http://www.fao.org/3/a-ap106e.pdf>. Accessed 9 May 2021.
- Bakombe. Jonathan. 2018. *Was Flsche wissen. sie lieben. spielen, planen: unsere Verwandten unter* Wlzwer. Hamburg: Mare.
- Beef. 2012. *Dicke Dinger*. No. 2/2012. Hamburg: Gruner\* Jahr.
- Bernhold. Christin. 2019. *Upgrading and uneven development. On corporate strategies and class dynamics in Argentinian grain and oilseed value chains*.

Dissertation. Zurich: University Zurich.

Birke, Peter, and Felix Bluhm. 2019. Arbeitskräfte willkommen. Neue Migration zwischen Grenzregionen und Erwerbsarbeit. *Sozial.Geschichte* 25:11-43.

Brensing, Karsten. 2017. *DasMysterium derTiere. Vfas sie denken, was sie fühlen*. Berlin: Aufbau Verlag.

Bundesanstalt für Landwirtschaft und Ernährung (BLE). 2018. *Die Ernährungspyramide. Richtig essen lehren und lernen*. Bonn: Bonifatius.

Bundesministerium der Justiz, und für Verbraucherschutz (BMJV). 2019. Tierschutzgesetz. <https://www.gesetze-im-internet.de/tierschg/BJNR012770972.html>. Accessed 9 May 2021.

Bundesministerium für Ernährung und Landwirtschaft (BMEL). 2019. *Nutztierstrategie. Zukunftsfähige Herhaltung in Deutschland*. Frankfurt am Main: Zarbock.

Bundesvereinigung der Deutschen Ernährungsindustrie e.V. (BVE). 2020. *Ernährungsindustrie 2019. Statistikbrochure*. Berlin: BVE.

Edeka. 2017. Hetron des Feuers, <https://vimeo.com/384549667>. Accessed 9 May 2021. Video.

Eisnitz, Gail A. 2006. *Slaughterhouse. The shocking story of greed, neglect, and inhuman treatment inside the U.S. meal industry*. Amherst: Prometheus. 1997.

Fiddes, Nick. 1991. *Meat, a natural symbol*. London: Routledge.

Fitzgerald, Amy, and Nik Taylor. 2014. The cultural hegemony of meat and the animal industrial complex. In *The rise of critical animal studies: from the margins to the centre*, ed. Nik Taylor. Richard TXvine, 165-182. New York: Routledge.

Fleischexperten. 2019a. Fleischkonsum ist wichtig für unsere Gesundheit.

<https://old.fleischexperten.de/news-pool/fleischkonsum-ist-wichtig-fuer-unsere-gesundheit.html>. Accessed 9 May 2021.

Fleischexperten. 2019b. Fleisch - Genuss in jeder Lebensphase. <https://old.fleischexperten.de/news-pool/von-jung-bis-alt.html>. Accessed 9 May 2021.

Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO). 2013. *Tackling climate change through livestock—A global assessment of emissions and mitigation opportunities*. Rome: FAO.

Gethard. Carsten, et al. 2019. How will cultured meat and meat alternatives disrupt the agricultural and food industry? [https://www.keamey.comXdocuments/20152/2795757/How +Wi Il\\*Cultured\\*Meat\\*and +Meat+Alternatives\\* Disrupt \\*tbe+Agricultural+and+Food+Industry.pdf/06ec385b-63a1-71d2-c081-51c07ab88ad1?t=1559860712714](https://www.keamey.comXdocuments/20152/2795757/How+Wi+Il*Cultured*Meat*and+Meat+Alternatives*+Disrupt+*tbe+Agricultural+and+Food+Industry.pdf/06ec385b-63a1-71d2-c081-51c07ab88ad1?t=1559860712714). Accessed 2009.

Grain and Institute for Agriculture & Trade Policy (I ATP). 2018. Emissions impossible. How big meat and dairy are heating up the planet. <https://www.grain.org/media/WlsiZilsIjIwMTgvMDcvMTcvMTdfNTFFMTdfNzgzXOVtaXNzaW9uc19pbXBvc3NpYmxlXOVVOXzEyX3BhZ2UucGRmlld>. Accessed 9 May 2021.

Gramsci. Antonio. 1971. *Selections from the prison notebooks by Antonio Gramsci*. 11th edn.. New York: International Publishers. 1992.

Gramsci. Antonio. 1996. *Prison notebooks*. Vol. 2. New York: Columbia University Press. 1975.

Gramsci. Antonio. 2012. *Gefiingnishefte*. Bande 1-10. Hamburg: Argument. 1975.

Horkheimer. Max. and Theodor W. Adorno. 2002. *Dialectic of enlightenment: philosophical fragments*. Stanford: Stanford University Press.

Joy, Melanie. 2010. *WTry we love dogs, eat pigs, and wear cows: an introduction to camism. The belief system that enables us to eat some animals*



*and not others*. San Francisco: Conari Press.

Lukacs. Georg. 1971. *History and class consciousness*. Studies in marxist dialectics. Cambridge: MIT Press.

Malm. Andreas. 2020. *Corona, climate, chronic emergency: war communism in the twenty-first century*. London: Verso.

Marx. Karl. 1975. *Contribution to the critique ofHegel's philosophy of law*. Marx Engels collected works. VW. 3. 3-129. New York: International Publishers. 184-1.

Marx. Karl. 1976. *Capital. A critique of political economy*. Vol. 1. Harmonds worth: Penguin. 1867.

Marx. Karl. 1996. *Capital. A critique of political economy. Volume 1*. Marx Engels collected works. Vol. 35. New York: International Publishers. 1867.

Marx. Karl. 1998. *Capital. A critique of political economy. Volume 3*. Marx Engels collected works. Vol. 37. New York: International Publishers. 1894.

Messe Berlin. 2020. International Green Week Berlin. About IGW Berlin. <https://www.gruenewoche.de/>  
<https://www.internationalgreenweek.de/>. Accessed 15 May 2020.

Potts. Annie (ed.). 2017. *Meat culture*. Leiden. Boston: Brill.

Rifkin. Jeremy. 1992. *Beyond beef. The rise and fail of the cattle culture*. New York: Penguin Books.

Sachser. Norbert. 2018. *Der Mensch im Tier. VAttrum Here uns im Denken, Fiihlen und Verhalten oft so dhnlich sind*. Reinbek: Rowohlt.

Singer. Peter. 2002. *Animal liberation*. 3rd edn. New York: Ecco. 1975.

Stache. Christian. 2017. *Kapitalismus und Naturzerstdrung: Zur kritischen Theorie des gesell.schaftlichen Naturverhiilini.sses*. Opladen: Budrich L'niPress.

Stache, Christian. 2019. Conceptualising animal exploitation in capitalism: getting terminology straight.

*Capital & Class* <https://doi.org/10.1177/0309816819884697>.

Stache, Christian. 2020. It's not humans, it's animal capital! In *Research in political economy: capital accumulation and the commodification of animals*. Vol. 35. ed. Brett Clark. Tamar Diana Wilson. 9-31. Amsterdam: JAI Press.

U.S. Department of Agriculture (USDA). 2019. 2017 census of US agriculture.

[https://www.nass.usda.gov/Publications/AgCensus/2017/Full\\_Report/Volume\\_1\\_Chapter\\_1\\_USZusv1.pdf](https://www.nass.usda.gov/Publications/AgCensus/2017/Full_Report/Volume_1_Chapter_1_USZusv1.pdf). Accessed 9 May 2021. United States. Summary and State Data. Volume 1.

Vetband der Fleischwirtschaft (VdF). and Bundesverband der deutschen Fleischwarenindustrie (BVDF).

2019. Wirtschaftliche Entwicklung des deutschen Fleischsektors. Pressemitteilung zur VDF/BVDF- Jahrestagung 2019. <https://www.v-d-f.de/news/pm-20190523-0119>. Accessed 9 May 2021.

Vetband der Fleischwirtschaft (VdF). 2020. Organisation. Vorstand. <https://www.v-d-f.de/der-verband/organisation.html>. Accessed 9 May 2021.

Vfettese, Troy. 2019. A marxist theory of extinction. How to think and how to act, how to be a militant facing a horizon of annihilation. *Salvage* 7:251-263.